



پاسخ کارگاه تحلیل فصل :

۱) الف و ب) تقریباً در همه ادبیات با مضامین تازه مواجه هستیم: یک بار در شأن عظمت هستی خود و محبت روحانی ای که در دل دارد، خود را به داغی ابدی و آب حیوان در پهنه هستی تشبیه کرده است، و با دیگر خود را به آینه‌ای تشبیه می‌کند که پشت به دیوار و «حیرت» زده و در فهم هستی حیرت زده است. (وجه شبه: فرد حیران در جای خود بی حرکت می‌ایستد، همان گونه که آینه بی حرکت به دیوار تکیه می‌دهد)؛ در بیت دیگر نیز خود را شدت مستی و خماری چشم زیبا رویان می‌بیند. در بیت آخر تفاخرشاعرانه دیده می‌شود (قلم خود را چراغ بزم عالمیان می‌داند، از این رو همیشه در شبستان مشغول نگارش و سرایش است)؛ در همه ابیات تشبیه دیده می‌شود بیشتر تشبیهات از نوع گسترده هستند. از جمله تشبیهات گسترده آن می‌توان به آب حیوانیم ما، پشت بر دیوار چون آینه...، مستی دنباله دار...، اشاره کرد. تخلص شاعرانه در غزل دیده می‌شود؛ در غالب ابیات می‌توان مفاهیم رایج شعر سبک هندی را دید: برتری عشق بر عقل، انتساب عاشق پیشگی و وارستگی به خود و هم کیشان خود (کاربرد ضمیر جمع ما بیانگر این نکته است، و ... (پ) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

۲. در قلمرو ادبی و زیبایی شناسی متن، می‌توان به تکرار واژه و واج آرایه‌هایی اشاره کرد که متن را آهنگین کرده‌اند: تکرار کمال و واج‌های ا-ن-ی-ر، در کلماتی که گاه هم وزن و گاه متقارنند و انواع سجع را تشکیل داده‌اند. (روحانی و جسمانی- مردانه و عاشقانه)؛ متن تلمیح به باورهای دینی و آیات قرآنی دارد (بارامانت: انا عرضنا الامانه على السموات والارض والجبال فابین ان يحملنها و اشفق منها و حملها الانسان انه كان ظلوما جهولاً. احزاب/۷۲)؛ در قلمروی فکری از بارزترین ویژگی‌های آنان می‌توان به عرفانی بودنش اشاره کرد. از نظر گاه نجم الدین رازی در مرصاد العباد و در این چند سطر، بنده حقیقی خداوند آن کسی است که بتواند هم دین را داشته باشد، هم دنیا را، هم اهل علم و دانش باشد، هم اهل معرفت و عشق. تنها چنین فرد می‌تواند بارامانت الهی (عشق) را بر دوش کشد.

درس دهم

تنظیم: دیانا مرادیان از ناحیه ۳

سبک هندی

اهداف کلی :

- ✓ دانش آموزان بتوانند وضعیت تاریخی و اتفاقات مهم زمان سبک هندی را بشناسند.
- ✓ آثار شعر و نثر سبک هندی را بین متون سایر سبک‌ها تشخیص دهند
- ✓ شاعران و نویسندگان این سبک و تفاوت نگرش ادبی آنان را به خوبی بیاموزند.

وضعیت عمومی شعر در سبک هندی

- رواج سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم به مدت ۱۵۰ سال
- بها ندادن حکومت صفوی به شعر مدحی و عاشقانه و درباری
- تضاد با آموزهای سنتی عرفانی
- معطوف شدن توجه شاعران به موضوع‌هایی مانند اندرز، مضمون آفرینی، باریک اندیشی

- تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه، باز سازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه‌های نو
- خارج شدن شعر از حوزه تصرف شاعران با سواد و آگاه به فنون ادب
- قرار گرفتن شعر در دسترس عامه و رونق گرفتن آن نزد پیشه‌وران و بازاریان

پیامدهای قرار گرفتن شعر در دسترس عامه

- ۱- پیامد مثبت: روبه‌رو کردن شعر با مضمون‌های و قلمروهای تازه
- ۲- پیامد منفی: روی آوردن افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر، در نتیجه دور شدن شعر از استواری و سلامت پیشین خود

قلمرو زبانی شعر در سبک هندی

از بین رفتن مختصات زبانی سبک خراسانی	خارج شدن لغات ادبی قدیم از صحنه شعر	گسترش یافتن دایره واژگان	راه یافتن زبان کوچه و بازار به شعر
رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی با حملات تیموریان و ازبکان	کم شدن کاربرد لغات عربی با از بین رفتن سلطه حکومت بغداد	ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب	کاربرد لغاتی که در قدیم در اشعار استفاده نمی‌شدند مانند: نزاکت، قالی، شیشه

علل از بین رفتن مختصات سبکی زبان قدیم

- ۱- حملات پی در پی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً در نواحی شرقی
- ۲- تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تاثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد. زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

قلمرو ادبی شعر در سبک هندی

کم توجهی به آرایه‌های ادبی (بدیع و بیان)	رواج آرایه‌های شاخص مانند تشبیه	اهمیت تلمیحات رایج در مضمون سازی	آرایه‌های پر کاربرد: حسن تعلیل، حس آمیزی، اسلوب معادله و تمثیل
قالب شعر غزل است. گاه به چهل بیت هم می‌رسد	تکرار قافیه در غزل	طبیعی بودن	توجه به ردیف‌های بلند و خوش آهنگ
قالب حقیقی شعر مفردات است و شاعران اغلب تک بیت گو هستند			



قلمرو فکری شعر در سبک هندی



نثر دوره هندی

۱. نثر ساده: همانند نثر مرسل بلعمی نیست. در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر یافت می شود.

کتاب نثر ساده در سبک هندی		
نویسنده	موضوع	کتاب
محمد دارا شکوه	ادبیات - عرفان	کتاب داراشکوه در هند
شرف خان بدلیسی	تاریخ مفصل کردستان	شرفنامه در عثمانی
زین الدین محمود واصفی	تاریخ - جغرافیا	بدایع الوقایع در ماورالنهر
شاه طهماسب صفوی	تاریخ	تذکره شاه طهماسب
اسکندر بیگ منشی	تاریخ	عالم آرای صفوی
علی بن حسین واعظ کاشفی	عرفان	عین الحیات
شیخ بهایی	فقه	جامع عباسی

۲. نثر مصنوع: در نوشتن فرمان ها و منشآت و دیباچه کتاب ها استفاده می شد.

نمونه نثر مصنوع	
۱-دیباچه شرفنامه بدلیسی	۲-دیباچه عیاردانش
۳-عباس نامه از وحید قزوینی	۴-محبوب القلوب از میرزا برخوردارفراهی

۳. نثر بینابین: نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار. می توان گفت که قصد نویسنده در اصل آسان نویسی بوده است



الف) قلمرو زبانی

۱. در آمیختگی نظم و نثر
۲. کاربرد وجه وصفی
۳. جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی (محاربات)، هم در فارسی (گیلانات) و هم ترکی و مغولی (بیلاقات)
۴. آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنه
۵. آوردن جملات طولانی
۶. کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد
۷. فراوانی لغات ترکی و مغولی

ب) قلمرو ادبی

۱. نثر این دوره از نظر ادبی ارزش والایی ندارد
۲. انحطاط در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است.
۳. استفاده از آیات و احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد.
۴. ضرب المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مکرر و بی روح تبدیل شد.
۵. کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر رواج داشت.
۶. بی دقتی ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج چاپلوسی نثر این دوره را از رونق انداخت.
۷. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها، نگارش فرهنگ لغت‌ها را در این دوره رواج داد.

پ) قلمرو فکری

۱. فساد و تیره بختی چند قرن گذشته
۲. کشتار مردم
۳. فرار دسته جمعی افراد با ذوق و آزاده به خارج از ایران و مردن آنان از فقر
۴. عوامل مؤثر در خالی بودن ایران از نویسندگان قوی دست در عصر اعتلای صفوی: (شاه عباس اول)

خود ارزیابی

۱- ویژگی زبانی، ادبی و فکری سروده زیر را استخراج کنید:

- | | |
|-------------------------------------|--|
| روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده ام | چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده ام |
| دست رغبت کس نمی سازد به سوی من دراز | چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده ام |
| اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی | نبض موحم، در تپیدن بی قرار افتاده ام |
| عقده ای هرگز نکردم باز از کار کسی | در چمن بیکار چون دست چنار افتاده ام صائب |



<p>اعتبار: آبرو/ رغبت: میل / مزار: قبر / عقده: گره / گوهر: سنگ قیمتی ترکیبات: از چشم افتاده‌ام، عقده باز نکرده‌ام، دور افتاده‌ام: نشان دهنده ورود زبان عامه به شعر هست. کاربرد ترکیبات تازه: چشم اعتبار، نبض موج / کاربرد واژگان عربی کمتر از سبک عراقی است. فعل بی قرار افتاده‌ام: بی قرار شده‌ام؛ در برخی ابیات در معنی تاریخی به کار رفته است .</p>	<p>قلمرو زبانی</p>
<p>شعر صائب در قالب غزل است. / استفاده از ردیف دشوار فعلی «افتاده‌ام»/ بهره گیری شاعر از صورخیال تصادفی نیست. او آگاهانه از تشبیهاتی چون: (نگاه آشنا، گل پژمرده، گرداب سرگشتگی، بیکار چون دست چنار) برای بیان توصیف روحیات و حالات خود استفاده کرده است. استعاره‌ها: (چشم اعتبار، دست رغبت، نبض موج، دست چنار، مژگان ابر) که تشخیص هم هستند. کنایه‌ها: (از چشم افتادن : بی اعتبار شدن / عقده باز نکردن: مشکلی حل نکردن) صائب از تصاویر واقعی و ملموس برای تصویرسازی بدیع و تازه بهره می برد. مانند: گل پژمرده روی مزار، دست بیکار چنار</p>	<p>قلمرو ادبی</p>
<p>شعر سراسر معنی گرا است. صائب یک مفهوم را با مضمون‌های متنوع بیان کرده است. او دچار بحران هویت و یأس فلسفی شده است ؛ این بحران و بی ثمری حیاتش را در قالب تشبیهات و مضمون‌های مختلف بیان می - کند. با توجه به واژه‌های موجود در شعر، نارضایتی شاعر از بخت و اقبال خود محسوس است.</p>	<p>قلمرو فکری</p>

۲- بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید .

الف) ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است آماده باش گریه تلخ گلاب را

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می پرد از شوق چشم کوکب‌ها

الف) حسن تعلیل در تک بیت (بیت فرد) گل باید برای گریه تلخ گلاب گیری آماده گردد؛ زیرا غافل و بیخبر از ناپایداری دنیا با خیال جاودانه بودن حیات، شاد و خندان است. / موج خنده: تشبیه فشرده اضافی / گل که با واژه «ای» مورد خطاب قرار گرفته است: تشخیص / گریه گلاب: استعاره مکنیه، تشخیص است. / سر: مجاز از تمام وجود / گل: نماد زیبایی‌ها

گریه تلخ گلاب: حس آمیزی / خنده و گریه: تضاد / گل و گلاب: مراعات نظیر و اشتقاق

ب) بیت حسن تعلیل دارد. پریدن مدام چشم ستارگان و درخشیدن آنها نتیجه یک کرشمه خداوند در کار خلقت است.

(کرشمه: اصطلاحی عرفانی است، منظور توجه معشوق به عاشق است) چشم: مجاز از پلک / آسمان: مجاز از کل ستارگان و سیارات منظومه شمسی / چشم کوکب: استعاره مکنیه / پریدن چشم کوکب‌ها: کنایه از درخشیدن ستارگان /

واج آرایی صامت «ر» و «ش» / مراعات نظیر بین کلمات « کرشمه - چشم» و « کوکب - آسمان»

۳ - سبک نثر دوره هندی را با نثر دوره عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

نثر در دوره هندی اگرچه ساده است اما سادگی نثر سبک عراقی را ندارد، چرا که در نثر عراقی نویسندگان تمایل شدیدی به ساده نویسی و حتی برگرداندن و باز نویسی کتاب‌های مشکل به زبان ساده داشتند. این در حالی است که سادگی نثر در سبک هندی به معنای مرسل بودن نیست؛ زیرا لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر در آن فراوان است. اما



گروه زبان و ادبیات استان آذربایجان شرقی

کاهش واژگان عربی و افزایش واژگان ترکی - مغولی - جملات طولانی - جمع بستن کلمات با نشانه «ات» عربی - کاربرد وجه وصفی - مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی، از ویژگی‌های بارز نثر سبک هندی است که کمتر در نثر سبک عراقی دیده می‌شود.

۴- در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغت نامه در دوره هندی تحلیل کنید .

آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) و گسترش زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران، نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد .

۵- بیت زیر را از نظر زیبایی شناسی تحلیل کنید:

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می بارد / من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار

«منجنیق فلک، سنگ فتنه» تشبیه فشرده اضافی هستند. / حصار آبگینه: استعاره مصرّحه از پناهگاه نامطمئن و سست

سنگ فتنه می بارد: استعاره مکنیه و تشخیص / آبگینه و سنگ در تقابل هم هستند و مفهومی متضاد دارند .

۶- وزن بیت زیر را بررسی کنید.

تو این عهدی که با من بسته بودی / مگر بهر شکستن بسته بودی ← مفاعیلن مفاعیلن مفاعی

۷- متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن‌های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:

«از طبقه علیّه شعرا که ناظران مناظم سخن پیرایی و پیرانه بندان سلسله معنی آرایبی اند در آن هنگام در اردوی معلّاً و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر بی شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجّه تمام به حال این طبقه بود.»

اسکندر بیگ ترکمان

قلمرو زبانی: کاربرد تتابع اضافات در عبارات‌های «ناظران مناظم سخن پیرایی، پیرایه بندان سلسله معنی آرایبی، اوایل حال حضرت خاقانی» برای تعارف و تمجید از بزرگان. / استفاده از واژگان عربی به میزان چشمگیر. / کاربرد واژگان مرکب

مانند: سخن پیرایی، پیرایه بند، معنی آرایبی، جنت مکان و ... به دلیل تمایل به اطناب و کاربرد مفاهیم مترادف در نثر مصنوع سبک هندی. / مطابقت موصوف و صفت به شیوه دستور زبان عربی در ترکیب «ممالک محروسه»، صفت مونث و موصوف جمع مکسر. / ترکیب «طبقه علیّه»، صفت مونث با موصوف مونث. / کاربرد جملات طولانی / پیچیدگی و دشواری معنا به خاطر کلمات ترکی و مغولی.

قلمرو ادبی: واج آرایبی در حروف «ظ، ر، س، ش، و، ی، پ» به طور متوالی. / اشتقاق: «ناظران، مناظم»، «پیرایی، پیرایه» که این هم آوایی کلمات، آهنگ خاصی را ایجاد کرده است. / ترکیب «سلسله معنی آرایبی» تشبیه فشرده اضافی است. / بین واژگان «ناظران، پیرایه بند و معنی آرایبی» مراعات نظیر وجود دارد .

کنکور اختصاصی انسانی ۹۹

۱- انتساب چند اثر به پدیدآورنده آن «غلط» آمده است؟

(مجالس المومنین : شیخ بهایی) (حبیب السیر: خواند میر) (جامع عباسی: اسکندر بیگ ترکمان) (عین الحیات: علی بن حسین واعظ کاشفی) (محاکمه الغتین : سلطان حسین بايقرا) (تحفه الاحرار: جامی) (صد پند: خواجه عبدالله انصاری) (المعجم فی معاییر اشعار العجم: شمس قیس رازی) (رساله دلگشا: عبید زاکانی) (عشاق نامه: فخر الدین عراقی)

(۴) شش

(۳) پنج

(۲) چهار ❌

(۱) سه